

آشنایی با

ویرجینیا وولف

پل استراترن

ترجمه‌ی مرجان رضایی



نشر مرکز

Virginia Woolf
In 90 Minutes
Paul Strathern

آشنایی با ویرجینیا وولف
پل استراترن
ترجمه‌ی مرجان رضایی
ویرایش: تحریریه‌ی نشرمرکز
اجرای گرافیک طرح جلد: نشرمرکز
چاپ اول ۱۳۸۷، شماره‌ی نشر ۹۱۴، ۳۰۰۰ نسخه، چاپ کانون چاپ
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۰۰۷-۸

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبروی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸
صندوق پستی ۵۵۴۱-۱۴۱۵۵ تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹
Email: info@nashr-e-markaz.com

حق چاپ و نشر این ترجمه برای نشرمرکز محفوظ است

Strathern, Paul	استراترن، پل، ۱۹۴۰- م.	سرشناسه:
	آشنایی با ویرجینیا وولف / پل استراترن: ترجمه‌ی مرجان رضایی	عنوان و نام پدیدآور:
	تهران: نشرمرکز، ۱۳۸۷	مشخصات نشر:
	۱۰۴ ص.	مشخصات ظاهری:
	۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۰۰۷-۸	شابک:
	فیبا	وضعیت فهرست‌نویسی:
Virginia Woolf In 90 Minutes	عنوان اصلی:	یادداشت:
	سرگذشت‌نامه ۱۹۴۱-۱۸۸۲ م، وولف، ویرجینیا	موضوع:
Woolf, Virginia	داستان‌نویسان انگلیسی - قرن ۲۰ م. - سرگذشت‌نامه	موضوع:
	رضایی، مرجان، ۱۳۴۶-، مترجم	شناسه افزوده:
	۱۳۸۷ ۸ یا ۹/ و ۶۰۴۵/ PR	رده‌بندی کنگره:
	۸۲۳/۹۱۲	رده‌بندی دیویی:
	۱۳۳۴۸۹۰	شماره کتابشناسی ملی:

قیمت ۲۲۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت ناشر
۹	درآمد
۱۳	زندگی و آثار ویرجینیا وولف
۱۹	سخن پایانی
۹۳	آثار عمده‌ی ویرجینیا وولف
۹۵	گاه‌شمار زندگی و زمانه‌ی ویرجینیا وولف
۹۹	متون پیشنهادی برای مطالعه‌ی بیشتر
۱۰۳	نمایه

یادداشت ناشر

آشنایی با نویسندگان مجموعه‌ای است برای آگاهی از اندیشه و زندگی نویسندگان بزرگ و تأثیری که بر جهان ادب و چالش آدمی برای درک جایگاه خود در جهان هستی گذاشتند. هر کتاب در کنار اطلاعات زندگی‌نامه‌ای، افکار و عقاید نویسنده را به‌ویژه در مواجهه با جریان‌ها و تحولات ادبی و فرهنگی عصر او بازگو می‌کند. کتاب‌های مجموعه بدون ورود به حاشیه، به شیوه‌ای روشن و سراسر مستند و سنجیده به مهم‌ترین نکته‌ها می‌پردازند. اساس کار را بر سادگی و اختصار می‌گذارند تا طیف هرچه گسترده‌تری از علاقه‌مندان بتوانند از آنها بهره بگیرند و چه بسا همین متن مختصر که با لحنی جذاب و زنده ارائه شده انگیزه‌ای شود برای پی‌جویی تیزبینانه‌تر آثار نویسنده و نقدها و پژوهش‌های مربوط به آن.

هر کتاب، علاوه بر مقدمه و مؤخره‌ای که موقعیت تاریخی و اجتماعی نویسنده و جایگاه او را در تاریخ ادبیات باز می‌نمایاند، شامل گاه‌شماری است

که رخدادهای مهم زندگی و دوران نویسنده را نیز در بر دارد. گزیده‌ای از مهم‌ترین نوشته‌ها و آثار نویسنده نکته‌های اصلی اندیشه‌ی او را از زبان خود او بیان می‌کنند. پل استراترن، مؤلف این مجموعه که پیش از این مجموعه‌ی آشنایی با فیلسوفان او با موفقیتی مثال‌زدنی مواجه شده است، در انتخاب این گزیده‌ها نیز تسلط خود را نشان داده و بر قطعه‌هایی کلیدی و راهگشا انگشت گذاشته است. در شرح احوال و آثار نویسندگان به تحلیل روحیات و شخصیت آنان بسیار توجه کرده، طوری که خواننده در پایان کتاب به‌راستی احساس می‌کند که نویسنده‌ی مطرح‌شده برای او دیگر نه فقط یک نام مشهور که شخصیتی آشنا است.

کتاب‌های دیگر این مجموعه که عنوان‌شان در پشت جلد کتاب آمده در دست ترجمه و انتشار اند و به‌تدریج عرضه خواهند شد.

درآمد

دریا ویرجینیا وولف را در تمام طول زندگی اش به سوی خود می خواند. تصاویر کرانه‌ی دریا بر کودکی او سایه افکنده بود، چرا که خانه‌ی دومش در سنت آیوز در ساحل کورنوال انگلستان بود. رمان‌هایش به‌ویژه سفر خارج^۱، به سوی فانوس دریایی^۲، و موج‌ها^۳ از تصاویر آب و دریا آکنده بودند. در واپسین صفحات رمانش میان پرده^۴ که پس از مرگ او منتشر شد، شخصیت زن داستان به برکه‌ای پوشیده از نیلوفرهای آبی خیره شده است:

... چیزی در آب تکان خورد، کیوتر دُم چتری محبوبش بود، سپس ماهی طلایی آمد. بعد درخششی نقره‌فام به چشمش خورد - خودش بود، ماهی کپور بزرگ...

1. *The Voyage out*

2. *To the Lighthouse*

3. *The Waves*

4. *Between the Acts*

زمزمه کرد: «خودمان.» و با تالوویی از ایمان که از آب‌های خاکستری‌رنگ برگرفته بود، امیدوارانه، بدون گرفتن کمک چندانی از عقل، مسیر ماهی‌ها را دنبال کرد.

کمی بعد، در یک نقطه‌ی عطف داستان می‌خوانیم:

از خشکی به نظر می‌آمد آب سبزرنگ دارد بالا می‌آید و سرش را می‌پوشاند. کم‌کم از ساحل دور شد و دستش را بلند کرد و کورمال کورمال به دنبال چفت در ورودی آهنی گشت.

اوایل سال ۱۹۴۱ که در خانه‌ی روستایی‌اش ویرجینیا وولف در رادمل در چند مایلی ساحل ساسیکس زندگی می‌کرد، سرانجام نگارش کتاب میان پرده را به پایان رساند. به خاطر کوشش خلاقانه‌ی عظیمی که برای نگارش این کتاب مصرف کرده بود، کاملاً تحلیل رفته بود. تعادل روانی‌اش، که در بهترین اوقات هم وضع خوبی نداشت، سخت به مخاطره افتاده بود.

اکنون او پنجاه و اندی سال داشت و چند بحران زوحی جدی را پشت‌سر گذاشته بود، که دست‌کم به سه بار تلاش برای خودکشی انجامیده بود. دو سال از آغاز جنگ جهانی دوم می‌گذشت و نازی‌ها فرانسه و بیشتر خاک اصلی اروپا را اشغال کرده بودند. فقط بریتانیا بود که هنوز مقاومت می‌کرد، در حالی که ارتش اشغالگر در بیست و دو مایلی‌اش در آن سوی آب تجمع کرده بود. آلمانی‌ها به منظور آن که برای اشغال آماده شوند، حملات هوایی برق‌آسای

خود را با بمباران متمرکز لندن آغاز کرده بودند. خانه‌ی ویرجینیا وولف مورد اصابت مستقیم بمب قرار گرفته بود و اکنون برای اقامت دائم به رادیل آمده بود، که تمامی مناطق ساحلی آنجا نیز در آماده‌باش به سر می‌برد.

اگر نازی‌ها کشور را اشغال می‌کردند، او هیچ ابهامی در مورد سرنوشت‌اش نداشت. شوهرش لئونارد که در تمام سختی‌ها وفادارانه حمایتش کرده بود یهودی بود، و به این سبب قاعدتاً به اردوگاه کار اجباری فرستاده می‌شد. خودش هم به عنوان یک بیمار روانی آینده‌ی بهتری در انتظارش نبود.

یکی از افتخارات ویرجینیا وولف و دوستانش در گروه بلومزبری آن بود که با یکدیگر صراحت و صداقت داشتند. این مراسم‌شان بود: زندگی شفاف. ونسا بل، خواهر ویرجینیا، نامه‌ای خیرخواهانه برایش نوشت و تصریح کرد که می‌داند او در آستانه‌ی یک فروپاشی روانی دیگر است، ولی به او التماس کرد که «الان نباید همین‌طور بروی و ناخوش بشوی... نمی‌دانی چقدر به تو وابسته‌ام. خواهش می‌کنم به خاطر این هم که شده عاقل باش.» در همین دوران ویرجینیا با ناشرش جان لِمَن تماس گرفت. لِمَن و همسر ویرجینیا، لئونارد، انتشارات هوگارت را داشتند. ویرجینیا دست‌نویس کتاب میان‌پرده را به او داد ولی گفت که به عقیده‌ی خودش خوب از کار درنیامده: «خیلی بی‌مایه و سردستی شده.» لِمَن با این قضاوت او مخالف بود و بدون اطلاع او برنامه‌هایش را برای انتشار اثر پیش برد و حتی در یک آگهی در مجله‌ای مژده‌ی انتشار آن را هم داد.

در روزهای بعد، حال روانی ویرجینیا وولف رو به وخامت گذاشت. مانند

حملات قلبی، شروع به شنیدن صدای حرف کرد. مطمئن شد که دارد دیوانه می‌شود. در نامه‌ای که هرگز آن را پست نکرد به خواهرش نوشت «با آن جنگیده‌ام، ولی دیگر نمی‌توانم ادامه بدهم.» صبح ۲۸ مارس نامه‌ای به شوهرش نوشت که چنین آغاز می‌شد: «عزیزترینم، دلم می‌خواهد به تو بگویم که خوشبختی کامل را به من ارزانی کرده‌ای. هیچ‌کس نمی‌توانست کاری بیش از آنچه تو در حقم کرده‌ای برایم انجام بدهد. خواهش می‌کنم باور کن که...»

پس از نوشتن نامه از خانه بیرون رفت و قدم‌زنان دشت را پشت‌سر گذاشت تا به سوی کرانه‌ی رود اوز رسید. باران‌های بهاری آب رودخانه را بالا آورده بودند. سنگ بزرگی از ساحل برداشت و در جیب پالتویش گذاشت. سپس به درون آب سرد و خروشان رودخانه پرید. پیکرش را سه هفته بعد در جایی که رودخانه به دریا می‌پیوست پیدا کردند.

ویرجینیا وولف هنگام مرگ فقط پنجاه و سه سال داشت. همین هم که این‌قدر عمر کرده بود معجزه بود. دهه‌های قبل زندگی‌اش در مبارزه‌ای دائمی با بیماری روانی سپری شده بود، و در دوره‌هایی هم که سالم بود، هراس از بازگشت بیماری او را رها نمی‌کرد. در این دوره‌های سلامتی توانسته بود به مدد نیروی اراده‌ی محض و به بهای هزینه‌ی گزاف روحی تعدادی از بهترین آثار ادبی قرن بیستم را بیافریند.